



۲۰۱۶/۰۴/۲۷



انجمن فارو



په اروپا کی دمیشته افغانانو د ټولنو فدراسیون  
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

## شمه ای از کارنامه سیاه آخرین زامدار از سلسله هفت ثور!

۷ ثور ۱۳۹۵ مطابق ۲۷ اپریل ۲۰۱۶

نجیب الله در سال ۱۳۲۶ در کابل متولد و بعد از ختم لیسه حبیبیه شامل فاکولته طب شد. در سال ۱۳۴۴ به (حزب دیموکراتیک خلق) پیوست. در جناح پرچم توانست با جلب اعتماد ببرک کارمل پله های ترقی را به سرعت ببیماید و عضو کمیته مرکزی شود. تبارز خشونت نهفته در روان نجیب الله که تبارز خانوادگی دوران نوجوانی آن را خانم بها در صفحات ۳۸۵ و ۳۸۶ کتابش (رها درباد) توضیح کرده است، در تمام مراحل زندگی سیاسی نجیب الله میتوان سراغ نمود. در پوهنتون کابل با پنجه بُکس و چاقو در جیبش با فعالین سایر جریان های سیاسی برخورد خشونت آمیز داشت.

واسیلی میتروخین (در کتاب ک. گ. ب. در افغانستان) بر مبنای آرشیف اسناد ک. گ. ب. از پیوستن نجیب الله در سال ۱۹۷۳ به ک. گ. ب. با نام مستعار "پوتوموک" سخن میگوید. موفقیت نجیب الله در نقش (رئیس عمومی خاد) چنان چشمگیر بود که بزودی لقب قصاب کابل را از مردم حاصل نمود. در جریان سال ۱۹۸۵ وقتی روس ها تحت رهبری "گر باچف" با احساس نا توانی خویش در تمویل جنگ و ادامه پرداخت تمام مصارف "جمهوری دموکراتیک افغانستان" و در پهلوئی آن شکست نظامی در جبهات جنگ، تصمیم به خروج نیروهای خویش از افغانستان اتخاذ نمودند. چون قرار شده بود اشغال پایان یابد، روس ها به خادم مستعد و وفادار خویش نجیب الله نقش تازه سه بعدی دادند: اتخاذ اقدامات لازمه برای تأمین خروج مصوون قوای اشغالگر از افغانستان، تغییر شکل و تغییر نام حزب مزدور و دستگاه دولتی دست نشانده برای تحمیق بخشی از نیروهای مقاومت مسلحانه و شامل ساختن آنها در رژیم پوشالی و سر انجام تضمین اینکه رژیم مختلط از دایره نفوذ مسکو خارج نگردد. داکتر نجیب برای مصوون ساختن راه های خروج روس ها و تضعیف قوی ترین جبهات مقاومت ضد روسی، شدید ترین و وسیع ترین عملیات بر علیه نیروهای مقاومت ضد روسی را براه انداخت. بزرگترین قربانی این عملیات را در ولایات خوست، پکتیا، لوگر، پروان، کاپیسا و بغلان افراد ملکی، بخصوص زنان و کودکان تشکیل میداد. ولی درعین حال در مقابل کامره های تلویزیون و در جمع عده ای از مردم برخی محلات پوست گوسفند را می پوشید و از صلخواهی و تقسیم قدرت صحبت میکرد. نجیب الله که سخنران خوبی بود با بیانات حساب شده استخباراتی و شیوه عوام فریبانه، در پی اقتناع مردم و گروه های مسلح بود. ولی با شهرتی که موصوف به حیث میر غضب و قصاب کابل داشت، بیاناتش نه بر مردم تأثیر گذار واقع شد و نه بر مخالفین مسلح اش. امروز بیست سال بعد از حلق آویز شدن او توسط رفقای خلقی اش، جا دارد در سالروز نامیون هفت ثور، کارنامه سیاه این آخرین زامدار هفت ثوری را، متکی بر نوشته های جنرال های روسی که با او رابطه کاری مستقیم داشتند، بهتر و مستند تر بشناسیم:

## - نجیب الله در پُست رئیس خاد:

نجیب الله با روح پُر از خشونت و داشتن خصوصیات منفی دیگری چون حيله گری، بیرحمی و وفاداری بیدریغ به ایدئولوژی سردمداران مسکو، و در ضمن با شناخت وسیع از فعالین نیروهای سیاسی رقیب برای ک. گ. ب. مناسب ترین کاندید غرض ایجاد یک دستگاه بزرگ اختناق، شکنجه و اعدام بر اساس مودل ک. گ. ب. در افغانستان بود. در سال ۱۹۸۰، نجیب الله خاد را از میان فعالین حزبی به کمک مستشاران بیشمار ک. گ. ب. و پول بیحساب که از مسکو سرازیر می شد، ایجاد کرد. بر اساس برخی گزارشات ک. گ. ب. در آستانه اشغال نجیب الله را درین پُست کاندید کرده بود و موصوف دوره آمادگی برای رهبری پروسه تاسیس و گرداندگی بزرگترین دستگاه استخباراتی در تاریخ افغانستان را در اروپای شرقی تحت نظر ک. گ. ب. تعقیب کرد. مودل چکا ایجاب می نمود که خاد با تکیه بر اعضای حزب که با ایدئولوژی حزبی کاملاً مجهز باشند، ساخته شود. طبق روایات متعدد، ۵۴ فیصد اعضای حزب (شاخه پرچم) و ۲۸ فیصد اعضای سازمان حزب برای کار در خاد در برخی جمهوری های شوروی سابق و در یک مرکز تربیتی در کابل تعلیمات خاص سه ماهه، ششماهه و طولانی تر می دیدند. به همین جهت نخستین نام (غیر رسمی) خاد (فعالین حزبی) بود. در سرکوب قیام سوم حوت کابل همین فعالین حزبی تمرین آدم کشی کردند. طبق گزارشات سازمان های بین المللی حقوق بشر و نماینده کمیته حقوق بشر ملل متحد برای افغانستان، دستگاه خاد به عنوان عامل پیگرد، شکنجه، و کشتار مخالفین به ویژه مبارزان و آزادی خواهان شناخته می شد. تکنیک های شکنجه گری خاد شامل بی خوابی های بسیار طولانی، گرسنگی، تکان برقی، شلاق زدن، مشت و لگد زدن، استعمال بوتل فانتا، اماله آب جوش در روده ها، کندن موی و کشیدن ناخن های دست و پا و ... بود). در گزارش های داکتر "آرماکورا" نماینده خاص کمیته حقوق بشر ملل متحد برای افغانستان به لیست طولانی تر از انواع شکنجه توسط خاد بر می خوریم. در تحقیق افراد برجسته سازمان های مخالف، نجیب الله شخصاً اشتراک میکرد. شکستادن مهره های گردن و استخوان های قبریغه و دست و پا شکنجه های خاص نجیب الله بودند. خاد مسقیماً در خدمت نظامیان شوروی قرار داشته به روس ها اطلاعات میداد و کواردینات برای بمباردمان ها را مخابره میکرد. جنرال "گروموف" در کتاب اردوی سرخ در افغانستان ترجمه "آریانفر" درین مورد (در صفحه ۸۶) میگوید:

((شبکه خیلی نیرومند اطلاعاتی که در آغاز سال ۱۹۸۰ در دولت افغانستان بوجود آمده بود و دوشادوش مستشاران ما کار می کرد، چندین سال خواب آرام نداشت)). باز هم برویم به سراغ خانم بها که از داخل خانواده نجیب الله گزارش میدهد: ((نجیب الله... حکم اعدام و بازداشت هشتاد هزار انسان بیگناه را بیرحمانه امضاء کرد و بدان افتخار هم می کرد)) سایر منابع تنها تعداد اعدامی های دوران ریاست خاد نجیب الله را دو صد هزار تخمین می کنند. بصورت متواتر زندانیان از سایر بلاک های زندان پل چرخ و زندان های ولایات به بلاک اول زندان پل چرخ انتقال یافته و در یک شب صدها زندانی به قتلگاه ها منجمله پولیگون پل چرخ انتقال داده می شدند. در زندان پل چرخ که برای حد اکثر ۶۰۰۰ زندانی همزمان ساخته شده است، بیش از ۳۰۰۰۰ زندانی همزمان نگهداری میشد. سایر زندان های افغانستان نیز به همین ترتیب ۵۰۰ فیصد بیشتر از ظرفیت خود را نگهداری میکردند. نجیب الله تمام این پروسه را رهبری میکرد. لقب قصاب کابل از همین جا ریشه می گیرد.

## - نجیب رئیس خاد در معامله با اسرای جنگی:

کتاب (دراغانستان چه میگذاشت) نوشته سترجنرال الکساندر ماریوف (مشاور شماره یک نظامی روس ها در داخل افغانستان در دوره های خدمتش در افغانستان) ترجمه "داود جنبش" از عملکرد نجیب الله در رابطه با اسیران جنگ پرده بر میدارد. در صفحه ۲۵۳ این کتاب میخوانیم که بعد از مسلط شدن نظامیان روسی بر یک منطقه چگونگی معامله با اسیران جنگ وظیفه خاد بود. "ماریوف" در کتاب متذکره بعد از توضیحات در مورد تاکتیک نظامی خویش که با نمایش وسیع قدرت نظامی توانسته بود گروهی از رزمندگان مقاومت ضد روسی را در شهر هرات مرعوب ساخته و قسمت زیاد شان را که به عزم بدست گرفتن کنترل شهر هرات در خانه های این شهر جا بجا شده بودند به انداختن سلاح های شان وا داشته است، چنین ادامه میدهد:

((به صورت تخمینی تعداد آنها (کسانیکه سلاح های خود را از بالای دیوار به سرک انداخته بودند زیرا اعلامیه دولتی امضاء شده از جانب رفیع، نجیب و مجید سربلند به آنها وعده مصونیت داده بود) به ۶۰۰ الی ۸۰۰ نفر میرسید. وظیفه دستگیری آنها بدوش رئیس خاد بود. هنگام ورود ما به شهر تعداد دشمنان بین ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ تخمین شده بود. اگر تعداد کشته ها و افراد متحصن در مساجد از آن منفی شود، از آن چند صد نفر می ماند.)) در صفحه ۲۵۷ و ۲۵۸ برخورد نجیب رئیس خاد با این اسرای جنگی را چنین میخوانیم:

((... دروازه باز شد. من چراغ را روشن کردم. جنرال "پیتروخالکه" را دیدم که بسیار احساساتی معلوم می شد. وی گفت: ببخشید خبر بسیار مهم است. نجیب و خاد در هرات دیوانگی را شروع کرده اند. اعدام کردن جریان دارد.

- اسیران؟

- بلی صاحب بدون پرسان و محاکمه.

من خبر بودم که داکتر طب نجیب الله بسیار مرد سنگدل است. اما تصور نمی کردم که بعد از پخش اوراق تبلیغاتی که در آن گفته شده بود، اگر دشمن تسلیم شود عفو میگردد، باز هم امر اعدام آنها داده شود. این مطلق حیوانیت است. من خواستم جلو اعدام ها را بگیرم اما نجیب گفت که این امر ببرک است.)) در ادامه مجادله برای توقف اعدام ها، "ماریوف" جنرال روسی مستقر در کابل "چریومنیخ" را امر میدهد تا همراه با جنرال "گل آغا" به دیدن کارمل برود و سلسله اعدام را متوقف کند. چریومنیخ جریان صحبت با کارمل را در صفحه ۲۶۱ چنین گزارش میدهد: ((من از او پرسیدم که به داکتر شما گفتید که عملیات بکنید؟ او گفت بلی تمام شیش های خانه باید کشته شوند و بعد مشیت روی میز زد. من از او پرسیدم و آن تعهدی را که تانکیست، داکتر وفیلسوف کرده بود؟ از آن سر پیچی شد. جواب او اینست: من به آنها این اجازه را نداده بودم این خانه دیوانه هاست. او در اطاق از یکسو بسوی دیگر می رود. او (اناهیتا) چپ است و چپچی (گل آغا) ترجمه میکند.)) اینست مشیت نمونه خروار از روش داکتر نجیب و ببرک کارمل با اسرای جنگی. این عمل صاف و ساده جنایت جنگی است و هیچ انسان دارای عقل سلیم آنرا انکار کرده نمیتواند.

#### - چگونه نجیب به ریاست جمهوری رسید؟

جواب این سؤال را از "محمود قاریف" رئیس اکادمی علوم نظامی فدراسیون روسیه که قبلاً مشاور ارشد نجیب الله در آخرین سال های ریاست جمهوری اش بود، در صفحه ۴۵ کتابش (افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی) که توسط "عزیز آریانفر" ترجمه شده است، چنین می خوانیم: ((مقارن اواسط سال های ۸۰ هر چه بیشتر روشن میگردد که جنگ در افغانستان برای اتحاد شوروی به بهای دشواری های بس سنگین و مصارف هنگفت اقتصادی و نتایج ناهنجار سیاسی می انجامد... بهرحال تصامیم بنیادی در زمینه بازگشت سپاهیان از افغانستان و پایان دادن به جنگ نیاز مبرمی احساس میگردد. رهبری نوین اتحاد شوروی به ریاست "میخائیل گرباچف" که به سال ۱۹۸۵ رویکار آمده بود، آهسته آهسته آغاز به رو آوردن به اینگونه تصامیم نمود. گفتگوهای پویا و مشوره ها با ایالات متحده امریکا، پاکستان... و اوضاع در افغانستان در سال های ۱۹۸۶-۱۹۸۷... لزوم جست و جوی راه های غیر نظامی را دیکته می کرد و برای تحقق مثنی جدید، رجال جدیدی در کار بود.)) جنرال گروموف این جواب را با صراحت لهجه در صفحات ۱۵۲ و ۱۵۳ کتابش چنین تکمیل میکند:

((روشن است که ک. گ. ب. در سال ۱۹۷۹ با برگماشتن ببرک کارمل به رهبری دولت تازه افغانستان دچار اشتباه گردیده بود... در بهار سال ۱۹۸۶ در کابل (سفارت شوروی و مشاورین ارشد ک. گ. ب.) به این نتیجه رسیدند که ببرک بایست جای خود را به یک سیاستمدار پُر انرژی تر بدهد و برای جانشینی او سردمدار خدمات اطلاعات دولتی افغانستان نجیب الله را پیشنهاد کردند. در مسکو با این پیشنهاد موافقت کردند و نجیب الله را در آغاز ماه مه ۱۹۸۶ به سمت منشی عمومی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان برگزیدند.)) چند روز بعد از آن سناریوی آماده نمایشنامه ای که اسمش را پولینوم هژدهم کمیته مرکزی ((حزب دیموکراتیک خلق)) (حزب وطن) گذاشته بودند، عملی گردید و تصمیم اتخاذ شده در مسکو دوباره ((اتخاذ)) گردید.

### - موضع پشت پرده نجیب الله در رابطه با مشی مصالحه ملی:

جملات عوام فریبانه نجیب الله در مورد مشی مصالحه ملی را همه شنیده اند. اما ببینیم برنامه اصلی نجیب الله چه بوده است؟ "گروموف" در صفحه ۱۵۵ کتاب اردوی سرخ در افغانستان متن گزارش سری مؤرخ ۱۳ نوامبر ۱۹۸۶ به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که محتوی گفت و گو های ۱۸ الی ۲۲ اکتوبر ۱۹۸۶ میان داکتر نجیب و دیپلمات ارشد روسی "یوری وارنتسوف" را افشاء میکند، بدین شرح درج نموده است:

((رفیق نجیب می انگارد برای دستیابی به مشی مصالحه ملی، باید برای حزب دیموکراتیک خلق افغانستان پُست های رئیس جمهور، رئیس شورای وزیران، وزاری دفاع ملی، امنیت دولتی، داخله، مخابرات، مالیه، ریاست بانک ها، ریاست ستره محکمه و غیره را نگهداشت. نمایندگان جانب مقابل میتوانند پُست های معاونیت رئیس جمهور، معاونیت شورای وزیران و وزارت های زراعت، صحت عامه و معاونان سایر وزارت ها و پُستهای والی ها را بگیرند. رهبران سازمانهای سیاسی گروه های اسلامی می توانند اعضای جبهه ملی میهنی گردیده و فعالیت خود را برین پایه قانونی سازند.)) این طرح به معنی حفظ انحصار حزب ((دموکراتیک خلق)) (حزب وطن) بر همه ارگانه های امنیتی و وزارت های مهم دولتی بود. درچنین حالت پُست های معاونیت پوشالی و بی محتوی بودند. فرض کنیم احزاب مسلح مخالف برای آشتی ملی آمادگی هم نشان می دادند، ضعیف ترین آنها هم حاضر نمی شد این تقسیم شیر رئیس سابق خاد را بپذیرد. بدین ترتیب مشی مصالحه ملی نجیب الله رمز شکست خود را از آغاز درخود نهفته داشت. و کارمل و حواریونش همین تقسیم شیر را هم نمی پذیرفتند. حال آنکه تسلط حکومت پوشالی محدود به اداره چند شهر بزرگ بود. درهمین گزارش سری ودر شروع همان صفحه از زبان نجیب گزارش داده شده است: ((نجیب به ویژه خاطر نشان ساخت که از ۳۱ الی ۳۵ هزارقریه افغانستان تنها ۸۰۰۰ قریه زیر کنترل ظاهری دولت قرار دارد. و انتخابات ارگانه های محلی تنها در ۲۷۰۰ روستا آنها در نزدیک شهر های بزرگ براه انداخته شده اند.)) و در عین حال در درون حزب جاه طلب یک درز بزرگ دیگر میان خود پرچی ها وارد گردیده بود. پیشنهاد نجیب به کمیته بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی مبنی بر کناری ببرک کارمل از ریاست شورای انقلابی و عضویت بیروی سیاسی با عبارت ذیل از موجودیت این درز پرده برداشته است: ((درین گفت و شنود ها کابل خاصاً در روز های آخر تأکید میکرد که هر چه زودتر باید ببرک کارمل را از عضویت بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و از ریاست شورای انقلابی برکنار کرد. رفیق نجیب میگوید که کارمل خود را از کارهای حزبی و دولتی کنار کشیده و به نقادی پرداخته و بر ضد مشی مصالحه ملی گام برمیدارد. رفیق نجیب بیمناک است که لجام گسیختگی کارمل که با بیماری و افراط در نوشیدن مشروبات الکھولی عمیقتر می گردد، ممکن است او را وادار به اقدامات غیر قابل پیش بینی گرداند... مستشاران شوروی در کابل تائید می کنند که ببرک کارمل برای خود نتیجه گیری های لازم را نکرده است.))

یگانه بخش سیاست مصالحه ملی که جامه عمل پوشید رهائی بخش قابل ملاحظه زندانیان سیاسی بود. اگرچه از این حرکت برای پُرکردن صفوف قطعات عسکری از زندانیان آزاد شده استفاده شد، اما درتضعیف اضطراب حاکم دربین مردم تا حدی مؤثربود. تا آنکه برخی زندانیان سابق دوباره دستگیر شدند و تصفیه های درون حزبی نوع امین آغاز شد.

### - تشدید بی سابقه حملات نظامی برمواضع مخالفین مسلح:

نجیب الله مشی مصالحه ملی را با تبلیغات پُرسر و صدا از طریق رادیو تلویزیون افغانستان که بگونه احصاری در خدمت نجیب و حزبش قرار داشت، اعلام نمود. برعکس انتیار مردم افغانستان، بعد از اعلام مشی مصالحه ملی، و پلان خروج روس ها، حملات شدید بر برخی ولایاتی که نیروهای مخالف در آن قوی بودند و ولایاتی که در مسیر راه خروج روس ها قرار داشتند، آغاز یافت. جنگ خوست (۱۹۸۸)، حمله وسیع هوائی و زمینی بر جبهه پنجشیر و غیره. مثال های این جنگ ها اند. در جنگ هایی که بعد از خروج نیروهای رزمی روس ها اتفاق افتاد، چون جنگ جلال آباد، مشاورین نظامی روس فعالانه در رهبری جنگ سهیم بوده و پل هوائی تأمینات نظامی، محروقات و خوراکه باب از روسیه به کابل بصورت متداوم نیاز های اداره نجیب را مرفوع می ساخت. این حالت در سال ۱۹۹۱ به ضرر نجیب الله تغییر یافت.

### - نامه تضرع آمیز داکتر نجیب به ادوارد شواردناده:

در سال ۱۹۹۱ زمانیکه مسکو روابط مستقیم با تنظیم های جمعیت و حزب اسلامی گرفت و مقدار کمک های نظامی و غیر نظامی به کابل کاهش یافت، نجیب الله متوجه شد که دیگر مسکو هم به او کم مهر شده است. ستر جنرال محمود قاریف در صفحه ۱۹۴ کتاب افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی بخشی از نامه خصوصی نجیب الله به "ادوارد شواردناده" را با متن زیر نشر کرده است: ((من نمی خواستم رئیس جمهور شوم. شما مرا راضی ساختید. پیگیرانه خواهش کردید و وعده حمایت دادید. حالا دیگر من و جمهوری افغانستان را بدست سرنوشت رها می کنید. چگونه میتوان این مسأله را درک کرد؟)).

### آخرین میخ بر تابوت عدالت توسط نجیب الله کوبیده شد:

بعد از پیشرفت مذاکرات صلح ملل متحد و تضمین خروج نجیب الله و خانواده اش و انتقال آنها به هندوستان از جانب ملل متحد، نجیب الله از آینده خود مطمئن گردید. آنگاه امر صادر کرد که تمام اوراق و اسناد خاد که شهرت و وظایف مؤظفین خاد و کارمندان برجسته حزب در آن درج بود، حریق گردد. بدین ترتیب وی همکاران خادبست خود را در فرار از عدالت کمک نمود. قسمتی از اسناد خاد به امر نجیب الله در کلوب عسکری حریق گردید. افواهایی وجود دارد که بخشی از اسناد در مورد مخالفین دولت به کشور دیگری شامل حوزه اتحاد شوروی سابق انتقال یافته است. با حریق اسناد، نجیب الله جرم بزرگ دیگری را که تضلیل قضا نامیده می شود، مرتکب گردیده و آخرین میخ بر تابوت عدالت کوبید.

### نجیب الله را چه کسی و به چه خاطر کشت؟

یگانه شخصی که زحمت تحقیق درین مورد را بخود داده است، رزاق مامون است. از قراین بر می آید که اسناد تحقیق را خادبست هایی که در دوره ریاست عارف سروری در ریاست امنیت ملی کار می کردند از استخبارات کشیده اند. مظنون که غرزی خواوژی نام دارد خلقی سابقه دار و نماینده (د سولی غورخنگ تحت رهبری شهناز تنی) در امارت اسلامی طالبان و کارمند استخبارات است. مستنطق داکتر نادر احمدزی از گروه نجیب است که به اسم مستعار ملا مؤمن در تحریک طالبان داخل شده و مستنطق استخبارات طالبان بود. غرزی در جواب سوالات ۲۶ به نادر احمدزی می نویسد:

((ما به این افتخار می کنیم که داکتر نجیب الله و برادر خادبست او احمدزی را مردار کردیم. وقتی آنها را به ارگ آوردیم و مردار کردیم کرنیل امام و رهبر غورخنگ (شهناز تنی) و چند تن از طالبان و بهلول صاحب با من بودند... و قاتل ملت را مجازات کردیم. ما هیچگاه مسؤولیت اینکار را بدوش تحریک اسلامی نمی گذاریم و نه تحمیل می کنیم. وقتی ملا محمد عمر آخذ ازین اقدام اطلاع یافت برایش گفتم که ما انتقام رفقای خود را گرفتیم)).

در سوال ۲۷ پرسیده می شود کدام رفقای تان؟ جواب غرزی خواوژی اینست:

((ما نخست انتقام ملت شهید پرور افغان را گرفتیم. سپس انتقام آعده از دوستان شهید خود را گرفتیم که در قیام ضد کمونیستی (۱۶ حوت ۱۳۶۸) سهم داشتند. بخصوص قصد شهید آصف شور را گرفتیم)).

اسناد فوق نمایانگر این حقیقت است که قتل نجیب الله هم چون قتل تره کی و امین، در کتیگوری تصفیه حساب های جناحی ((حزب دیموکراتیک خلق)) بوده با وصف حضور کرنیل های آی. اس. آی. در حین ارتکاب این قتل، حایز اهمیت بالاتر از قتل یک انسان عادی نمی باشد. البته قتل هر انسان یک جنایت است. خانواده نجیب، با وصف بار عظیم جنایات بی شماری که برشانه های خود نجیب الله سنگینی می کرد، حق دارند عدالت خواهی کنند. اما رفقای نجیب الله در اتحاد با ۸ ثوری های مظنون به جنایات جنگی و پامال نمودن حقوق بشر، جبهه مشترکی را علیه عدالت ساخته اند. هر زمانیکه فرهنگ معافیت از افغانستان نا پدید گردد و مظنونین هشت ثوری خلع قدرت و محاکمه شوند، زمین زیر پای قاتلین هفت ثوری نیز، در هر کشور دنیا که باشند، آتش خواهد گرفت.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو)